

- صحنه منفی یک:

خانم خانه لیست تمام مواد مورد نیاز جهت برگزاری یک مهمانی خودمانی و آبرومند را تقدیم مرد خانه می‌کند. تأکید هم می‌کند که هیچ کدام از قلم نیفتد و تا تمامی اقلام خریداری نشده، آقا حق برگشت به خانه را ندارد!

از چندین روز پیش هم خود خانم خانه دست به کار شده و بالا و پائین بازار را گشته و بهترین و جدیدترین ظروف و البسه و سایر موارد را از نظر گذرانده و خریداری کرده تا مهمانی همان چیزی باشد که می‌خواهد و بشود شماره یک فامیل از همه لحاظ و تا آنجا که می‌تواند دارایی و سلیقه و... را در چشم دیگرانی که باید بترکانند.

- صحنه صفرم:

آقای خانه درآمد سه ماه آینده خود را خرج یک شب کرده... در ضمن کلی هم قرض و بدهی دارد که برای پاس کردن‌شان به اعتبار و امید وام‌های این‌جا و آن‌جا که قول‌هایی داده‌اند دل خوش کرده. تازه این‌جا که آخر ماجرا نیست، گویا خانم خانه بسیار از این بریز و بپاش غرق در لذت شده و تصمیم گرفته این مهمانی را ماهی یک‌بار برگزار کند... به این ترتیب آقای محترم و حرف گوش‌کن خانه، باید به فکر شغل دوم که نه، به فکر شغل سوم و چهارم باشد و وام‌های بیشتر و بیشتر و این‌که تا حقوق چند سال آینده‌اش را در چند ماه به راحتی صرف بریز و بپاش‌های خانم کند.



این متلک‌های دوست‌داشتنی!

0

صحنه دوم:

بعد هم از این که صورت خانم از خشم، قرمز می شود و پلک چشمش می پرد و تمرکزش را از دست می دهد، قند در دل مان آب شود که یکی به نفع ما...

داداشی
بفرما شام...



صحنه آخر:

فهمید غذاها را از رستوران کریم.